

# قسمت اول

## Presente indicativo

### زمان حال اخباری



متن نمونه

۱) امروز روز خوبی است. من یک دوچرخه  
 ۲) دارم. بچه‌های کلاس با دوچرخه به مدرسه  
 ۳) می‌روند. دوچرخه‌ی من نو نیست. این  
 ۴) دوچرخه‌ی پدرم است، اقا او امروز آن را به  
 ۵) من می‌دهد. آن را می‌شویم و با آن به  
 ۶) مدرسه می‌روم. دوچرخه را روبه‌روی کلاس  
 ۷) می‌گذارم. آن را تماشا می‌کنم و به  
 ۸) دوستان‌هایم نشان می‌دهم.

## Come formiamo questo tempo verbale?

Radice/ tema presente: رو (ro)

ریشه‌ی حال: رو

الف) این زمان را چگونه می‌سازیم؟

Andare	رفتن	Raftan
Mi ravim	ما می‌رویم	Mi ravam
Mi ravid	شما می‌روید	Mi ravi
Mi ravand	آنها می‌روند	Mi ravad

م	یم	
ی	ید	می + ریشه‌ی حال + شناسه‌ی
د	ند	Desinenza + Tema presente + Mi



La forma negativa si forma ponendo davanti al verbo la particella **na-**, scritta sempre unita.

نمونه: من می‌روم      من نمی‌روم

ب) چه وقت از زمان حال اخباری استفاده می‌کنیم؟

Quando usiamo questo tempo verbale?

Es: Che fai? Mangio

### 1. Per esprimere azioni che si svolgono nel presente

نمونه: چه کار می کنی؟ غذا می خورم.



### 2. Per indicare abitudini

نمونه: من هر روز به دانشگاه می روم.

Es. Io ogni giorno vado all'università.



### 3. Per esprimere verità assolute

La terra è rotonda.

نمونه: زمین گرد است.

Il cielo è azzurro.

آسمان آبی است.

In autunno cadono le foglie degli alberi.

در پاییز برگ های درختان می ریزند.

In autunno, sempre, cadono le foglie degli alberi.

همیشه در پاییز برگ های درختان می ریزند.

### 4. Nel parlato, per indicare un futuro molto vicino

نمونه: فردا به مسافرت می روم.

Es. Vado in viaggio



Gli avverbi per indicare il futuro :

In futuro

Il prossimo mese

La prossima settimana

Tra qualche gg

Dopo qualche ora

Domani

فردا، چند ساعت بعد، چند روز دیگر، هفته بعد / آینده، ماه بعد / آینده، سال بعد / آینده، در آینده

Il prossimo anno

### 5. Imperativo cortese

Andate voi, per favore?

الف. لطفاً می روید؟

Domani fate i compiti?

ب. فردا تکلیف را می نویسید؟  
Scrivete

## Gli avverbi di tempo

		امروز	هر روز	Ogni giorno
Ora/adesso	حالا	oggi	هر شب	Ogni sera
Ora/ adesso	الان	Stasera	هر هفته	Ogni settimana
Attualmente	اکنون	Quest'anno	هر سال	Ogni anno
		امروز صبح	هر جمعه	Ogni venerdì
		Stamattina	همیشه	Sempre
			همواره	Sempre (usato esclusivamente nello scritto)

I verbi بودن e داشتن sono irregolari.

Esseere	بودن	Budan
ما نیستیم	من نیستم	ما هستیم
شما نیستید	تو نیستی	شما هستید
آنها نیستند	او نیست	آنها هستند
		او است / هست



### Il verbo هست significa ESSERCI/ ESISTERE

Ahamad è a casa/ A casa c'è Ahmad

نمونه: احمد در خانه است / هست.

Nella stanza ci sono due sedie

دو عدد صندلی در اتاق است / هست.

AVERE	داشتن	Dashtan
Nadarim ما نداریم	Nadaram من ندارم	Darim ما داریم
Nadarid شما ندارید	Nadari تو نداری	Darid شما دارید
Nadarand آنها ندارند	Nadarad او ندارد	Darand آنها دارند
		Daram من دارم
		Dari تو داری
		Darad او دارد

desinenza+ tema presente + می + sostantivo/aggettivo /avverbio/participio

Verbo composto

Fel-e Morakkab

فعل مرکب

الگوی منفی کردن:

من درس می خوانم: من درس نمی خوانم.

Studiare	درس خواندن	Dars Khandan
ما درس می خوانیم		من درس می خوانم
شما درس می خوانید		تو درس می خوانی
آنها درس می خوانند		او درس می خواند

Conservare/ custodire/ tenere	نگه داشتن	Negah dashtan	Piacere/ voler bene	دوست داشتن	Dust dashtan
ما نگه می داریم		من نگه می دارم	ما دوست داریم		من دوست دارم
شما نگه می دارید		تو نگه می داری	شما دوست دارید		تو دوست داری
آنها نگه می دارند		او نگه می دارد	آنها دوست دارند		او دوست دارد

بر+ می + tema presente + desinenza

Verbi a prefisso

Fel-e Pishvandi

فعل پیشوندی

الگوی منفی کردن:

من برمی گردم: من بر نمی گردم.

Tornare/ rientrare	برگشتن	Bar Ghashtan
ما برمی گردیم		من برمی گردم
شما برمی گردید		تو می گردی
آنها برمی گردند		او بر می گردد

Verbi composti a prefisso

desinenza+ tema presente + می + prefisso

Fel-e Morakkab-e Pishvandi

فعل مرکب پیشوندی

الگوی منفی کردن:

من سردر می آورم: من سردر نمی آورم

Intendersi	سردر آوردن	Sar dar Avardan
ما سردر می آوریم		من سردر می آورم
شما سردر می آورید		تو سردر می آوری
آنها سردر می آورند		او سردر می آورد

الگوی منفی کردن:

من از پا می‌افتم: من از پا نمی‌افتم.

Non reggersi in piedi	از پا افتادن	Az Pa Oftadan
ما از پا می‌افتیم		من از پا می‌افتم
شما از پا می‌افتید		تو از پا می‌افتی
آنها از پا می‌افتند		او از پا می‌افتد

Verbo impersonale

الگوی منفی کردن:

من خوابم می‌برد: من خوابم نمی‌برد.

Addormentarsi	خواب بردن	Khab Bordan
ما خوابمان می‌برد		من خوابم می‌برد
شما خوابتان می‌برد		تو خوابت می‌برد
آنها خوابشان می‌برد		او خوابش می‌برد

تمرین



Coniugate i verbi, scrivendo la forma positive e negativa, come nell'esempio.

نمونه: من ..... (شنیدن)

من نمی‌شنوم.

من می‌شنوم

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....
- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

۱. من ..... (بودن).
۲. تو ..... (خوردن).
۳. او ..... (رفتن).
۴. شما ..... (داشتن).
۵. ما ..... (بودن).
۶. شما ..... (خوایدن).
۷. من ..... (نشستن).
۸. ما ..... (خوردن).
۹. آنها ..... (خوایدن).
۱۰. شما ..... (داشتن).